

۱. به مناسبت روز جهانی فیزیوتراپی، مهمترین دستاوردها و چالش‌های این حرفه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر بخواهم مهمترین دستاورد فیزیوتراپی را در سال‌های اخیر خلاصه کنم، باید بگویم که جایگاه این حرفه در نظام سلامت به‌طور محسوسی تغییر کرده است. امروز فیزیوتراپی دیگر فقط به معنای درمان پس از آسیب یا جراحی نیست؛ بلکه به‌عنوان یکی از ارکان حفظ سلامت، پیشگیری از ناتوانی و ارتقای کیفیت زندگی شناخته می‌شود. امروز شواهد علمی فراوانی در اختیار داریم که نشان می‌دهد مداخله به‌موقع فیزیوتراپی می‌تواند از بسیاری از مشکلات عملکردی پیشگیری کند، وابستگی به دارو را کاهش دهد و حتی در برخی موارد، نیاز به جراحی یا اقدامات درمانی پرهزینه را کمتر کند. به همین دلیل، نقش فیزیوتراپی در حوزه‌هایی مانند سالمندی، بیماری‌های مزمن، توان‌بخشی بیماران قلبی، ریوی و عصبی، طب ورزش و مراقبت از بیماران بستری در بخش‌های ویژه، هر روز پررنگ‌تر می‌شود. با وجود این پیشرفت‌ها، هنوز فاصله‌ای میان ظرفیت واقعی این حرفه و جایگاهی که در سیاست‌گذاری سلامت دارد، دیده می‌شود. در کشور ما همچنان نگاه غالب به فیزیوتراپی، نگاهی درمان‌محور است؛ یعنی معمولاً پس از ایجاد بیماری یا ناتوانی به آن توجه می‌شود، در حالی که ارزش واقعی این رشته در پیشگیری، حفظ عملکرد و کمک به استقلال افراد در تمام مراحل زندگی است.

از سوی دیگر، توسعه آموزش مبتنی بر شواهد، تقویت پژوهش، بهبود دسترسی عادلانه مردم به خدمات، اصلاح نظام بیمه و افزایش آگاهی عمومی نسبت به نقش واقعی فیزیوتراپی، از مهمترین اولویت‌هایی است که می‌تواند آینده این حرفه را رقم بزند.

به اعتقاد من، هرچه نظام سلامت بیشتر به سمت پیشگیری حرکت کند، جایگاه فیزیوتراپی نیز پررنگ‌تر خواهد شد. در چنین نگاهی، فیزیوتراپی یک هزینه درمانی نیست؛ بلکه سرمایه‌گذاری مؤثری برای حفظ سلامت، کاهش ناتوانی و ارتقای کیفیت زندگی مردم است.

۲. مهمترین چالش سیاست‌گذاری در حوزه فیزیوتراپی کشور چیست؟

به نظر من، ریشه بسیاری از چالش‌های موجود به نوع نگاه سیاست‌گذاران به فیزیوتراپی بازمی‌گردد. هنوز در بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها، این خدمات بیشتر به‌عنوان بخشی از درمان پس از بیماری دیده می‌شود، در حالی که ظرفیت اصلی فیزیوتراپی در پیشگیری، حفظ عملکرد و کاهش هزینه‌های بلندمدت نظام سلامت است.

یکی از مهمترین پیامدهای این نگاه، پوشش ناکافی بیمه‌ای خدمات فیزیوتراپی است. محدود بودن تعداد جلسات تحت پوشش، واقعی نبودن تعرفه‌ها و سهم بالای پرداخت از جیب بیماران، باعث می‌شود بسیاری از افراد درمان خود را نیمه‌تمام رها کنند؛ موضوعی که در نهایت نه تنها به زیان بیمار، بلکه به افزایش هزینه‌های نظام سلامت نیز منجر می‌شود.

چالش دیگر، جایگاه محدود فیزیوتراپی در نظام ارجاع و مراقبت‌های اولیه است. در بسیاری از موارد، بیمار زمانی به فیزیوتراپی ارجاع داده می‌شود که بیماری پیشرفت کرده یا عوارض آن ایجاد شده است، در حالی که مداخله زودهنگام می‌تواند روند درمان را ساده‌تر، کوتاه‌تر و مؤثرتر کند.

از سوی دیگر، با افزایش امید به زندگی، سالمند شدن جمعیت و شیوع بیماری‌های مزمن، نیاز جامعه به خدمات فیزیوتراپی به‌طور مستمر در حال افزایش است؛ اما توسعه نیروی انسانی، زیرساخت‌ها و منابع مالی متناسب با این رشد نبوده است. نکته مهم دیگر، مشارکت محدود فیزیوتراپیست‌ها در فرآیندهای سیاست‌گذاری است. تصمیم‌هایی که بر پایه تجربه میدانی و شواهد علمی متخصصان این حوزه اتخاذ شوند، می‌توانند اثربخشی بیشتری داشته باشند و پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه باشند.

در مجموع، مهمترین چالش امروز این است که هنوز میان شواهد علمی و سیاست‌های اجرایی فاصله وجود دارد. هرچه این فاصله کمتر شود، نقش فیزیوتراپی در پیشگیری، حفظ سلامت و مدیریت هزینه‌های درمان نیز پررنگ‌تر خواهد شد.

۳. نقش فیزیوتراپی در پیشگیری از بیماری‌ها و کاهش هزینه‌های درمانی چگونه می‌تواند در سیاست‌های سلامت پررنگ‌تر شود؟

اگر قرار است نظام سلامت آینده کارآمدتر و پایدارتر باشد، باید نگاه خود را از درمان صرف به سمت پیشگیری و حفظ عملکرد تغییر دهد. فیزیوتراپی دقیقاً در همین نقطه می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند.

نخستین گام، توسعه خدمات پیشگیرانه است. حضور فعال فیزیوتراپیست‌ها در مدارس، محیط‌های کار، مراکز سالمندی و برنامه‌های ارتقای سلامت می‌تواند از بسیاری از اختلالات اسکلتی-عضلانی، آسیب‌های شغلی و کاهش توان حرکتی در سنین بالاتر پیشگیری کند.

موضوع مهم دیگر، تسهیل دسترسی مردم به خدمات فیزیوتراپی در زمان مناسب است. تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است که آغاز زودهنگام درمان، علاوه بر افزایش احتمال بهبودی، مصرف دارو، درخواست تصویربرداری‌های غیرضروری و حتی برخی جراحی‌ها را کاهش می‌دهد و در نهایت هزینه‌های نظام سلامت را نیز کمتر می‌کند.

ادغام فیزیوتراپی در مراقبت‌های اولیه سلامت نیز از اقداماتی است که می‌تواند اثربخشی این خدمات را افزایش دهد. حضور فیزیوتراپیست در کنار پزشک خانواده و سایر اعضای تیم سلامت، امکان شناسایی زودهنگام مشکلات عملکردی و مداخله به‌موقع را فراهم می‌کند.

در کنار این موارد، اصلاح سیاست‌های بیمه‌ای اهمیت زیادی دارد. اگر خدمات پیشگیرانه و مداخلات زودهنگام نیز تحت پوشش مناسب بیمه قرار گیرند، بسیاری از هزینه‌های ناشی از درمان‌های پیچیده‌تر در آینده کاهش خواهد یافت.

همچنین لازم است مطالعات اقتصادی بیشتری درباره اثربخشی و صرفه اقتصادی خدمات فیزیوتراپی انجام شود. این شواهد می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری دقیق‌تر سیاست‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در این حوزه باشد.

در نهایت، افزایش آگاهی عمومی نیز نقش مهمی دارد. هنوز بسیاری از مردم فیزیوتراپی را تنها راهی برای کاهش درد می‌دانند، در حالی که این رشته نقش بسیار گسترده‌تری در حفظ تحرک، پیشگیری از ناتوانی، افزایش استقلال افراد و ارتقای کیفیت زندگی دارد.

به باور من، هرچه این نگاه در سیاست‌گذاری سلامت تقویت شود، هم کیفیت زندگی مردم بهبود خواهد یافت و هم نظام سلامت با هزینه‌ای کمتر، نتایج بهتری به دست خواهد آورد. فیزیوتراپی در این مسیر، نه یک خدمت جانبی، بلکه یکی از ابزارهای اصلی تحقق سلامت پایدار است.

۴. چگونه می‌توان از ظرفیت فیزیوتراپیست‌ها در مراقبت‌های اولیه سلامت بیشتر استفاده کرد؟

امروزه بسیاری از نظام‌های سلامت در دنیا تلاش می‌کنند تمرکز خود را از درمان بیماری به سمت پیشگیری و حفظ سلامت تغییر دهند. در چنین رویکردی، فیزیوتراپیست‌ها می‌توانند نقشی فراتر از درمان اختلالات حرکتی داشته باشند و به یکی از اعضای مؤثر تیم مراقبت‌های اولیه سلامت تبدیل شوند.

نخستین گام، حضور فعال فیزیوتراپیست‌ها در مراکز جامع سلامت و کنار تیم پزشکی خانواده است. این حضور امکان شناسایی زودهنگام مشکلات اسکلتی-عضلانی، آموزش بیماران و مداخله در مراحل اولیه بیماری را فراهم می‌کند؛ زمانی که درمان معمولاً ساده‌تر، کم‌هزینه‌تر و مؤثرتر است.

موضوع مهم دیگر، استفاده از ظرفیت فیزیوتراپی در پیشگیری است. آموزش شیوه صحیح انجام فعالیت‌های روزمره، اصلاح الگوهای حرکتی، ارتقای فعالیت بدنی، آموزش اصول ارگونومی، پیشگیری از آسیب‌های شغلی و طراحی برنامه‌های پیشگیری از سقوط سالمندان، از جمله اقداماتی است که می‌تواند بار بیماری را در جامعه کاهش دهد.

فیزیوتراپیست‌ها همچنین نقش مهمی در مدیریت بیماری‌های مزمن دارند. بیمارانی که با مشکلاتی مانند کمردرد، آرتروز، سکتة مغزی، بیماری‌های قلبی و ریوی یا دیابت زندگی می‌کنند، با برنامه‌های درمانی و تمرینی مناسب می‌توانند استقلال عملکرد خود را حفظ کرده و کیفیت زندگی بهتری داشته باشند.

ظرفیت دیگری که نباید از آن غافل شد، گسترش خدمات در مدارس، محیط‌های کار، مراکز سالمندی و همچنین استفاده از تله‌فیزیوتراپی است. این رویکرد به‌ویژه برای مناطق کم‌برخوردار می‌تواند دسترسی مردم به خدمات تخصصی را افزایش دهد و پیگیری درمان را آسان‌تر کند.

البته تحقق این اهداف نیازمند حمایت سیاست‌گذاران نیز هست. اصلاح نظام بیمه، تقویت آموزش‌های مرتبط با سلامت جامعه و کار تیمی، و فراهم کردن فرصت حضور مؤثر فیزیوتراپیست‌ها در سطح نخست خدمات سلامت، از اقداماتی است که می‌تواند جایگاه این حرفه را در مراقبت‌های اولیه ارتقا دهد.

در نهایت، هرچه نقش فیزیوتراپی در سطح نخست نظام سلامت پررنگ‌تر شود، فرصت بیشتری برای پیشگیری از ناتوانی، حفظ استقلال افراد و کاهش هزینه‌های درمان فراهم خواهد شد؛ هدفی که امروز بسیاری از نظام‌های سلامت پیشرو در جهان آن را دنبال می‌کنند.

۵. مهم‌ترین مطالبه جامعه فیزیوتراپیست‌ها از سیاست‌گذاران چیست؟

به اعتقاد من، مهمترین مطالبه جامعه فیزیوتراپی، تغییر نگاه به این حرفه است. فیزیوتراپی نباید صرفاً به عنوان خدمتی برای درمان پس از بیماری یا آسیب دیده شود، بلکه باید به عنوان سرمایه‌گذاری مؤثر برای حفظ سلامت، پیشگیری از ناتوانی و ارتقای کیفیت زندگی مورد توجه قرار گیرد.

در کنار این نگاه، یکی از مهمترین دغدغه‌های جامعه فیزیوتراپی، بهبود پوشش بیمه‌ای خدمات است. محدود بودن تعداد جلسات تحت پوشش، واقعی نبودن تعرفه‌ها و سهم بالای پرداخت از جیب بیماران، موجب می‌شود بسیاری از افراد درمان خود را کامل نکنند؛ اتفاقی که در نهایت هزینه‌های بیشتری را به بیمار و نظام سلامت تحمیل می‌کند.

مطالبه دیگر، مشارکت مؤثرتر فیزیوتراپیست‌ها در برنامه‌ریزی‌های کلان حوزه سلامت است. تصمیم‌گیری درباره موضوعاتی مانند سالمندی، بیماری‌های مزمن، توان‌بخشی و مراقبت‌های اولیه، بدون بهره‌گیری از تجربه و دانش این گروه، نمی‌تواند همه ظرفیت‌های موجود را به‌کار گیرد.

همچنین فراهم شدن امکان دسترسی سریع‌تر مردم به خدمات فیزیوتراپی، در چارچوب ضوابط علمی و قانونی، می‌تواند روند درمان را تسهیل کرده و از اتلاف زمان و منابع جلوگیری کند. تجربه کشورهای مختلف نیز نشان داده است که مداخله زودهنگام، علاوه بر افزایش رضایت بیماران، به کاهش هزینه‌های درمان کمک می‌کند.

اصلاح تعرفه‌ها نیز از دیگر مطالبات مهم این حوزه است. تعرفه‌هایی که متناسب با هزینه واقعی ارائه خدمات تعیین شوند، ضمن حفظ کیفیت درمان، استمرار فعالیت مراکز فیزیوتراپی و دسترسی بهتر مردم به خدمات استاندارد را تضمین می‌کنند. از سوی دیگر، با توجه به تغییرات جمعیتی و افزایش نیاز جامعه به خدمات توان‌بخشی، ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر برای فیزیوتراپیست‌ها در بیمارستان‌ها، مراکز مراقبت‌های اولیه، مراکز سالمندی، مدارس و سایر بخش‌های نظام سلامت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

در مجموع، انتظار جامعه فیزیوتراپی این است که این حرفه متناسب با نقش و ظرفیت واقعی خود در نظام سلامت دیده شود؛ زیرا هر سرمایه‌گذاری در این حوزه، در نهایت به سود مردم و نظام سلامت خواهد بود.

۶. در سال‌های اخیر، بحث‌هایی درباره همپوشانی یا تداخل برخی خدمات فیزیوتراپی با سایر رشته‌های علوم پزشکی مطرح شده است. از نگاه شما، چگونه باید این موضوع مدیریت شود؟

به نظر من، در نظام سلامت نباید به موضوع همپوشانی خدمات از زاویه رقابت میان رشته‌ها نگاه کرد. آنچه اهمیت دارد، ارائه بهترین و ایمن‌ترین خدمت به بیمار است و این هدف تنها با همکاری بین‌رشته‌ای محقق می‌شود.

فیزیوتراپی یک رشته دانشگاهی مستقل و مبتنی بر شواهد است که حوزه صلاحیت حرفه‌ای مشخصی دارد. طبیعی است که در برخی زمینه‌ها، مانند درمان اختلالات اسکلتی-عضلانی، توان‌بخشی پس از جراحی یا مدیریت بیماری‌های مزمن، تعامل نزدیکی با رشته‌هایی مانند طب فیزیکی و توان‌بخشی، ارتوپدی، مغز و اعصاب، پزشکی ورزشی و سایر اعضای تیم درمان وجود داشته باشد. این همپوشانی، اگر بر پایه استانداردهای علمی و احترام متقابل باشد، نه تنها مشکل‌ساز نیست، بلکه به ارتقای کیفیت خدمات کمک می‌کند.

آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، پایبندی هر حرفه به حدود صلاحیت علمی و قانونی خود است. هرگاه مسئولیت‌ها شفاف تعریف شوند و خدمات بر اساس راهنماهای بالینی و شواهد علمی ارائه شوند، زمینه‌ای برای تعارض باقی نمی‌ماند و بیمار نیز از یک روند درمانی هماهنگ و مؤثر بهره‌مند خواهد شد.

امروز در مراکز درمانی پیشرفته دنیا، موفقیت حاصل کار تیم‌های چندرشته‌ای است؛ تیم‌هایی که در آن پزشک، فیزیوتراپیست، پرستار، روان‌شناس و سایر متخصصان، هر کدام نقش تخصصی خود را ایفا می‌کنند و همه تصمیم‌ها با محوریت منافع بیمار اتخاذ می‌شود.

از این رو، راه حل اختلافات احتمالی، محدود کردن اختیارات یکدیگر نیست؛ بلکه تدوین دقیق شرح وظایف، تقویت آموزش بین‌رشته‌ای، گفت‌وگوی حرفه‌ای و پایبندی به استانداردهای علمی است. این رویکرد هم به نفع بیماران خواهد بود و هم موجب ارتقای کیفیت خدمات سلامت می‌شود.

در نهایت باید به این نکته توجه داشت که هیچ‌یک از رشته‌های علوم پزشکی رقیب یکدیگر نیستند. هر کدام بخشی از یک منظومه تخصصی هستند که هدف مشترک آن، حفظ سلامت، بازگرداندن عملکرد و بهبود کیفیت زندگی بیماران است. همین نگاه مشارکتی می‌تواند آینده نظام سلامت را کارآمدتر و اثربخش‌تر کند.

۷. چرا روز جهانی فیزیوتراپی فقط متعلق به فیزیوتراپیست‌ها نیست، بلکه برای همه مردم اهمیت دارد؟

روز جهانی فیزیوتراپی در واقع بزرگداشت یک حرفه نیست؛ بلکه یادآور اهمیت «حرکت» در زندگی انسان است. توانایی حرکت، استقلال در انجام فعالیت‌های روزمره و حفظ کیفیت زندگی، از مهم‌ترین شاخص‌های سلامت هستند و فیزیوتراپی دقیقاً در همین حوزه نقش‌آفرینی می‌کند.

تقریباً هر فردی ممکن است در مقطعی از زندگی، به دلیل آسیب‌دیدگی، بیماری، جراحی، سکته مغزی، مشکلات قلبی یا ریوی، سالمندی یا حتی سبک زندگی کم‌تحرك، به خدمات فیزیوتراپی نیاز پیدا کند. بنابراین، این خدمات محدود به گروه خاصی از بیماران نیست، بلکه بخشی از مراقبت‌های سلامت در تمام مراحل زندگی به شمار می‌آید. یکی از مهم‌ترین نقش‌های فیزیوتراپی، کمک به حفظ یا بازگرداندن توان حرکتی افراد است؛ اما اهمیت آن به اینجا ختم نمی‌شود. این رشته در پیشگیری از ناتوانی، افزایش فعالیت بدنی، کاهش خطر سقوط سالمندان، مدیریت بیماری‌های مزمن و ارتقای کیفیت زندگی نیز نقش مؤثری دارد.

روز جهانی فیزیوتراپی فرصت مناسبی است تا نگاه جامعه نسبت به این حرفه اصلاح شود. هنوز هم بسیاری تصور می‌کنند فیزیوتراپی فقط برای درمان درد یا دوران پس از جراحی کاربرد دارد، در حالی که امروزه این رشته یکی از ارکان مهم پیشگیری، حفظ عملکرد و توانمندسازی افراد برای داشتن زندگی فعال و مستقل محسوب می‌شود. این روز همچنین فرصتی برای سیاست‌گذاران و مدیران نظام سلامت است تا اهمیت سرمایه‌گذاری در خدمات توان‌بخشی و پیشگیری را بیش از گذشته مورد توجه قرار دهند. تجربه کشورهای مختلف نشان داده است که توسعه خدمات فیزیوتراپی، علاوه بر بهبود سلامت جامعه، به کاهش ناتوانی، کنترل هزینه‌های درمان و افزایش بهره‌وری اجتماعی نیز کمک می‌کند. به همین دلیل، روز جهانی فیزیوتراپی فقط متعلق به فیزیوتراپیست‌ها نیست؛ بلکه روزی است که اهمیت حفظ حرکت، استقلال و کیفیت زندگی همه انسان‌ها را یادآوری می‌کند. سلامت فقط به معنای نبود بیماری نیست، بلکه یعنی بتوانیم در هر سنی زندگی فعال، مستقل و باکیفیتی داشته باشیم.

۸. مردم بیشترین برداشت اشتباه را درباره فیزیوتراپی در چه زمینه‌ای دارند؟

رایج‌ترین برداشت نادرست این است که بسیاری از افراد فیزیوتراپی را صرفاً روشی برای کاهش درد یا استفاده از چند دستگاه درمانی می‌دانند و تصور می‌کنند این خدمات فقط پس از جراحی یا شکستگی کاربرد دارد. در حالی که این تنها بخش کوچکی از حوزه فعالیت فیزیوتراپی است.

فیزیوتراپی یک رشته دانشگاهی مستقل و مبتنی بر شواهد علمی است که هدف آن، ارزیابی دقیق اختلالات عملکردی، شناسایی علت مشکلات حرکتی، پیشگیری از ناتوانی و کمک به بازگشت افراد به زندگی فعال است. کاهش درد، اگرچه یکی از نتایج درمان محسوب می‌شود، اما هدف نهایی این حرفه نیست.

امروزه دامنه فعالیت فیزیوتراپی بسیار گسترده‌تر از گذشته است. این خدمات در درمان و پیشگیری از اختلالات اسکلتی-عضلانی، بیماری‌های عصبی، قلبی و ریوی، توان‌بخشی پس از سکته مغزی، مراقبت از بیماران بستری در بخش‌های ویژه، آسیب‌های ورزشی و مدیریت بیماری‌های مزمن نقش مؤثری دارد.

برداشت نادرست دیگری که گاهی دیده می‌شود، این است که برخی افراد مراجعه به فیزیوتراپی را تا مراحل پیشرفته بیماری به تأخیر می‌اندازند. در حالی که در بسیاری از موارد، آغاز زودهنگام درمان می‌تواند از پیشرفت بیماری، ایجاد ناتوانی و حتی انجام برخی جراحی‌ها پیشگیری کند و روند بهبودی را نیز کوتاه‌تر سازد.

همچنین گاهی تصور می‌شود فیزیوتراپیست صرفاً مجری دستورات درمانی است، در حالی که فیزیوتراپیست بر اساس ارزیابی تخصصی، معاینه بالینی و شواهد علمی، برنامه درمانی مناسب هر بیمار را طراحی، اجرا و ارزیابی می‌کند و نقش فعالی در تصمیم‌گیری بالینی دارد.

هرچه آگاهی عمومی نسبت به این واقعیت‌ها افزایش یابد، افراد زودتر از خدمات فیزیوتراپی بهره‌مند می‌شوند و این موضوع نه تنها نتایج درمان را بهبود می‌بخشد، بلکه از بسیاری از ناتوانی‌ها و هزینه‌های قابل پیشگیری نیز جلوگیری خواهد کرد. به بیان ساده، فیزیوتراپی فقط درمان درد نیست؛ بلکه علمی برای حفظ، بازگرداندن و ارتقای حرکت و عملکرد انسان است.

۹. اگر قرار باشد در روز جهانی فیزیوتراپی تنها یک پیام به مردم و سیاست‌گذاران بدهید، آن پیام چیست؟

اگر بخواهم تنها یک پیام را در روز جهانی فیزیوتراپی مطرح کنم، این خواهد بود: **حرکت، حق همه انسان‌هاست و فیزیوتراپی یکی از مهمترین ابزارهای حفظ، بازگرداندن و ارتقای این حق است.** امروز سلامت دیگر فقط به معنای درمان بیماری نیست. آنچه اهمیت دارد، توانایی افراد برای داشتن زندگی فعال، مستقل و باکیفیت است و فیزیوتراپی در تحقق این هدف نقشی اساسی دارد؛ از پیشگیری و آموزش گرفته تا درمان، بازتوانی و حفظ عملکرد در تمام مراحل زندگی.

پیام من به مردم این است که مراجعه به فیزیوتراپی را به آخرین مرحله درمان موکول نکنند. در بسیاری از بیماری‌ها، هرچه مداخله زودتر آغاز شود، احتمال بهبود بیشتر، دوره درمان کوتاه‌تر و هزینه‌های درمان کمتر خواهد بود. پیشگیری و درمان به‌موقع، همواره اثربخش‌تر از جبران عوارض بیماری است.

و خطاب به سیاست‌گذاران باید بگویم که فیزیوتراپی را نباید صرفاً یک خدمت درمانی تلقی کرد. سرمایه‌گذاری در این حوزه، سرمایه‌گذاری برای کاهش ناتوانی، ارتقای سلامت، افزایش کیفیت زندگی و مدیریت بهتر منابع نظام سلامت است. هر اندازه که نقش پیشگیری و توان‌بخشی در سیاست‌های سلامت پررنگ‌تر شود، جامعه سالم‌تر و نظام سلامت نیز پایدارتر خواهد بود.

با توجه به روند سالمند شدن جمعیت و افزایش شیوع بیماری‌های مزمن، نیاز به خدمات فیزیوتراپی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. برنامه‌ریزی امروز در این حوزه، سرمایه‌گذاری برای آینده سلامت کشور است.

در پایان، اگر قرار باشد همه این مطالب را در یک جمله خلاصه کنم، می‌گویم: **سرمایه‌گذاری در فیزیوتراپی، سرمایه‌گذاری برای حفظ حرکت، استقلال، کرامت انسانی و ساختن جامعه‌ای سالم‌تر و توانمندتر است.**

دکتر فرشاد اخوتیان
استاد بازنشسته دانشگاه
عضو وابسته فرهنگستان علوم پزشکی